خبر

راه‌اندازی «خانه فیلمنامه» از ابتدای اردیبهشت

«خانه فیلمنامه» بنیاد سینمایی فارابی با هدف گسترش فعالیت‌های بنیاد در حوزه فیلمنامه و تقویت متن و با تمرکز بر سه حوزه پیگیری، آرشیو فیلمنامه‌ها و کلینیک فیلمنامه راه‌اندازی شد. در سال ۱۳۹۹ با هدف استانداردسازی، تسریع و تسهیل فرآیندهای پذیرش فیلمنامه‌های سینمایی، راه‌اندازی سامانه فیلمنامه را در دستور کار قرار گرفت و در زمستان همان سال سامانه‌ای آغاز به کار کرد.

در دوره جدید فعالیت بنیاد، براساس بازخوردهای دریافتی و نیازسنجی از کاربران و همچنین با هدف بهبود کارایی و ایجاد امکانات کاربردی جدیدتر، طرح توسعه و ارتقای تکنولوژی این سامانه در دستور کار واحد فناوری اطلاعات فارابی قرار گرفت. از سوی دیگر، با توجه به ابلاغ سیاست‌ها و ماموریت‌های دوره جدید بنیاد سینمایی فارابی، یکی از برنامه‌های راهبردی بنیاد در سال ۱۴۰۱ راه‌اندازی خانه فیلمنامه مرکزی مستقل برای راهبری و ساماندهی امور ثبت، پیگیری آرشیو و کلینیک فیلمنامه‌هاست.

با توجه به گسترش قلمرو و ارتقای فعالیت‌های بنیاد در حوزه فیلمنامه و تقویت متن، با تأسیس واحدی مستقل به عنوان خانه فیلمنامه، فرآیندهای مربوط به این حوزه در سه سطح کلی پیش‌بینی شده است که نهایتا در بستر نسخه جدید سامانه خانه فیلمنامه بنیاد در دسترس قرار گرفته./مهر





در گفت‌وگو با مهدی خسروی، کارگردان فیلم «عروس خیابان فرشته» بررسی شد

اهمیت بازخوانی خانواده ایرانی در سینما



فیلم «عروس خیابان فرشته» دومین ساخته مهدی خسروی یکی از فیلم‌هایی است که برای اکران نوروزی انتخاب شد و این روزها همچنان به اکران خود ادامه می‌دهد و سهم فروش آن تا به حال بیش از چهارمیلیارد تومان بوده‌است. اولین فیلم مهدی خسروی، «هفت معکوس» با بازی جواد عزتی داستانی پیچیده‌تر داشت اما این کارگردان، این بار برای ساخت عروس خیابان فرشته سراغ داستان سرراست‌تر و ساده‌تری رفته که می‌تواند با مخاطب ارتباطی مؤثر برقرار کنند و در مواقعی هم از او خنده بگیرد. اکران این فیلم بهانه‌ای شد تا سراغ مهدی خسروی برویم و از شرایط و چگونگی ساخت این فیلم بپرسیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

نسرین بختیاری | گروه فرهنگ و هنر

علت خاصی داشت که نام فیلم از «عروس هندی» به «عروس خیابان فرشته» تغییر کرد؟

بله. اسم عروس هندی موقت بود و به جز این، قصه فیلم بی‌تناسب با این نام نبود؛ ولی هرچه جلوتر می‌رفتیم، می‌دیدیم در حقیقت عروس خیابان فرشته، همین خانه‌ای است که شخصیت‌های فیلم برای این‌که آن را از دست ندهند، می‌جنگند و در آن ساکن هستند. بنابراین، برای ما هویت عروس تغییر کرد و می‌خواستیم بگوییم این خانه است که می‌ماند و قرار است تمام شخصیت‌ها داخل آن بمانند و زندگی کنند.

چه دلیلی باعث شد شما بعد از فیلم «هفت معکوس» با روایتی که پیچیده‌تر از داستان‌های معمول در سینمای ایران است، سراغ کارگردانی «عروس خیابان فرشته» که داستانی ساده‌تر با فیلم قبلی خودتان داشت، رفتید؟

از برخوردی که مردم با فیلم داشتند، احساس کردم مردم و جامعه مقداری به قصه‌های ساده‌تر نیاز دارند و ممکن است قصه‌های ساده‌تر جذابیت بیشتری داشته‌باشد. وقتی سنم کمتر بود، تکنیک در سینما خیلی برایم اهمیت داشت و برای اثبات این‌که می‌توانم فیلم متفاوتی بسازم و آنچه را در ذهنم است روی پرده بیاورم، سراغ ساخت «هفت معکوس» رفتم. به مرور زمان وقتی انسان از لحاظ احساسی و تجربه کامل‌تر می‌شود، ممکن است موضوعات جدی‌تری نظرش را جلب کند. علاوه بر این، آنچه ما به عنوان سینمای تجاری می‌شناسیم، شاخصه‌های خاص خود را دارد. ما بعد از چند جلسه، مرور قصه‌ها و فیلمنامه‌های مختلف با آقای شریفی‌نیا تصمیم گرفتیم فیلمی را انتخاب کنیم که موضوعیت آن برای مردم با این‌که داستانی ساده دارد، جذاب‌تر باشد. این بود که سراغ داستان «عروس خیابان فرشته» رفتیم.

چه تجربه‌ای از کارگردانی «عروس خیابان فرشته» و کار با آقای شریفی‌نیا به عنوان تهیه‌کننده و بازیگر به دست آوردید؟

کار با آقای شریفی‌نیا تجربه‌ای کامل‌کننده است؛ یعنی اگر کسی بخواهد در مقام کارگردان در کنار او به عنوان تهیه‌کننده در سینما حضور داشته‌باشد، می‌تواند از تجربیات چند ساله‌اش استفاده کند که به نوعی تحصیل در دانشگاه محسوب می‌شود. منظورم از استفاده از تجربیات آقای شریفی‌نیا تنها محدود به فیلمسازی نمی‌شود و شامل نحوه پیش‌تولید، پس‌تولید تا اکران می‌شود. ایشان چون در متن سینما بودند، فقط تهیه‌کننده نبودند؛ بلکه بازیگر، مجری طرح یا دستیار کارهای مهرجویی هم بودند و امکان استفاده مناسب از تمام این خصوصیت‌ها وجود دارد که خدا را شکر این اتفاق افتاد. همچنین علم بالای آقای شریفی‌نیا به دلیل تسلط بر ادبیات در شناخت فیلمنامه، قصه و درام بسیار تأثیرگذار است و به ما خیلی کمک کرد. اگرچه ممکن است هر کارگردانی که با تهیه‌کننده‌ای کار کند، با چالش‌هایی روبه‌رو باشد اما در مجموع کار با آقای شریفی‌نیا، تجربه جالب و کاملی بود؛ یعنی به عنوان مثال، اگر به عنوان کارگردان می‌خواستم چند فیلم بسازم تا بیشتر سینما را بشناسم، با او اشراف بهتری نسبت به سینما و قسمت‌هایی پیدا کردم که به نظرم تاریک بود.

به دلیل تجربه آقای شریفی‌نیا در انتخاب بازیگر، آیا انتخاب بازیگران با نظر او بود یا این‌که شما مستقل انتخاب کردید؟

ما کارگردانان بزرگی مانند آقایان میرباقری و مهرجویی را در تاریخ سینمای ایران داریم که از هوش آقای شریفی‌نیا در تاریخ سینمای ایران استفاده می‌کردند و یکی از علت‌های همکاری‌ام با او این است که دیدگاهی هوشمندانه در انتخاب بازیگر دارد. البته من در نهایت تمام انتخاب‌ها را تایید و نهایی می‌کردم اما کاملا این انتخاب‌ها گروهی بود و با هم درباره تمام بازیگران صحبت می‌کردیم و آقای شریفی‌نیا هم پیشنهادهای خیلی خوبی می‌دادند و باهم به نتیجه می‌رسیدیم.

این داستان برای شما چه ظرفیت‌ها و جذابیت‌هایی داشت که تصمیم گرفتید کارگردانی آن را به عهده بگیرید؟

موضوع مطرح شده در فیلم عروس خیابان فرشته را در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم خیلی می‌بینم و برایم ملموس بود، چون بسیاری از افراد جامعه متعلق به طبقه اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، نیستند و می‌خواهند طبقه اجتماعی بالاتری داشته‌باشند. حتی ممکن است بسیاری از مردم این کار را نکنند، اما این موضوع از فکرشان بگذرد یا خودشان را سرزنش کنند که چرا این کار را انجام نمی‌دهیم. به نظرم این جزو چالش‌هایی است که همه ما با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم و برایم اهمیت داشت نشان دهم چندان هم این موضوع اهمیت ندارد و تلاش یک خانواده با تکیه بر توانایی‌های خودش به صورت واقعی. نه به این شکل که بخواهد طبقه خود را بالاتر نشان دهد. برای برطرف کردن چالش‌هایشان، معنا بخشیدن به زندگی و ارتقای سطح زندگی، چرخه جذابی است. اگر هر خانواده به این برسد که چقدر کنار هم بودن دارایی بزرگی است، به شکل خودکار می‌تواند به جنبه‌های مثبتی ختم شود.

فکر می‌کنید همچنان این بحث استفاده از فالگیرها و رمالی برای پیشبرد اهداف در جامعه ما رایج است یا از آن عبور کرده‌ایم؟

این فیلم در پاییز ۹۹ ساخته‌شده‌است اما به نظرم موضوعات خانوادگی محدود به زمان خاصی نمی‌شود و جزو موضوعاتی است که همیشه وجود دارد. وقتی شما فیلم «خوشه‌های خشم» جان فورد را می‌بینید، باز هم شاهد یک مسأله خانوادگی درباره مهاجرت هستید. شاید ما در طول فیلم شوخی‌هایی با معضلاتی مانند رمالی داشته‌باشیم. از همان ابتدا می‌بینیم نظر پدر خانواده درست است، اما در نهایت با تمام این چالش‌ها این خانواده به هم نزدیک‌تر می‌شوند. علاوه بر این، من خانواده را به گونه‌ای نمایش دادم که از هم پاشیده نباشد و این برای ما ایرانیان چندان ملموس نیست. به هرحال، ما برای پدر و مادر و اعضای خانواده حرمت و احترامی قائل هستیم و به همین دلیل سعی کردیم چالش‌هایی در خانواده نشان بدهیم که هم لطافت کمدی رعایت شود و هم نخواهیم به سمت خشونت تصویری برویم.

عروس خیابان فرشته در عین اجتماعی بودن، انتقادهایی از توزیع ناعادلانه ثروت دارد و به خیلی از مسائل گوشه می‌زند. آیا خودتان ما به ازای آدم‌هایی را که در فیلم هستند و مثلا فردی با داشتن ماشین آخرین مدل آغل گوسفند دارد، در جامعه دیده‌اید؟

قسمتی از این ماجرا به موقعیت طنز و کمدی فیلم کمک می‌کند و چیزی را نمایش می‌دهیم که مخاطب انتظار دیدن آن را ندارد. وقتی که یک نفر می‌خواهد گوسفندش را بفروشد و با یک ماشین مدل بالا که متعلق به صاحب آنجاست، طرف می‌شود، موقعیتی متضاد و کمیک خلق می‌شود، اما در حقیقتِ جامعه نیز به نظرم این موضوع وجود دارد. من نقدی نسبت به فردی که ماشین مدل بالا دارد ندارم، اما نقد ما این است که افراد باشیادی و بدون سواد و علم لازم، گروهی را تشکیل می‌دهند و به سرعت به پول و خواسته خود می‌رسند. ما در جامعه افرادی که متعلق به جایگاه‌شان نیستند، زیاد دیدیم.



فکر می‌کنید چقدر این فیلم با داشتن رگه‌هایی از طنز استانداردهای لازم برای تماشای خانواده را دارد و چقدر به گیشه نظر داشته‌اید؟

از همان آغاز خیلی برایم مهم بود این فیلم قرار است به گونه‌ای ساخته شود و شوخی‌هایی داشته‌باشد که برای دیدن خانواده مناسب باشد و گاهی ایراد کلامی ممکن است تبدیل به کمدی شود. همان طور که گفتم برایم اهمیت داشت خانواده را به گونه‌ای نشان دهم که به رغم مشکلات سر راه‌شان همچنان با یکدیگر گرم برخورد می‌کنند و در بسیاری از قسمت‌ها از قبیل رنگ‌بندی کلی تصویر، طراحی صحنه و لباس تلاش کردم این گرمی اتفاق بیفتد و زندگی جریان داشته‌باشد. این سخت‌ترین چالشم برای ساخت عروس خیابان فرشته بود. ما قصه‌ای با نقطه عطف خاص نداریم و ممکن است وقتی این قصه را برای هرکس تعریف کنیم، بگویند این خانواده می‌توانند با نقل مکان به خانه دیگر مشکل خود را برطرف کنند. بنابراین، تلاش کردم قصه را به گونه‌ای روایت کنم که برای مخاطبان جذاب باشد و اگر با خانواده می‌آیند، با فیلم احساس نزدیکی کنند.

بخش‌هایی از فیلم شما به این صورت است که وقتی حرف آدم‌ها به خصوص خانم خانه با بازی عاطفه رضوی در مقابل شریفی‌نیا به عنوان پدر خانواده به کرسی می‌نشیند، او در ذهنش مانند دروازه‌بانی است که گل می‌خورد، اما به نظر می‌رسد این صحنه تا پایان زیاد تکرار می‌شود و مخاطب دیگر به این صحنه نمی‌خندد. فکر نمی‌کنید تعداد این صحنه‌ها در فیلم زیاد بود؟

من هم موافق شما هستم و امکان این وجود داشت که کمتر و جذاب‌تر باشد و با آقای شریفی‌نیا درباره این موضوع خیلی چالش داشتیم. یک‌بار این ایده در فیلمنامه آمد و قرار شد آن را اجرا کنیم و در نسخه‌های نهایی فیلمنامه، آن را برداشتیم و قرار نبود دیگر این قسمت‌های فوتبالی وجود داشته‌باشد و ما این بخش‌ها را در پس تولید اضافه کردیم. از جهت دیگر به نظر می‌رسد این بخش‌ها از لحاظ فرم اجرا ایراد دارد و آن اتفاقی که شایسته است در آن نمی‌افتد و اگر با برنامه‌ریزی بهتری انجام شده بود، این حس به شما القا نمی‌شد. به دلیل این‌که این بخش‌ها از فیلم بیرون می‌زند، این حس را در مخاطب ایجاد می‌کند. قرار بود ما بر اساس ریتمی کار کنیم که کمی خراب شد؛ یعنی قرار بود ما اول با فیلم بازی ایران و کامبوج شوخی کنیم که دروازه‌بان ۱۴ تا گل خورد و ما هفت تا هشت صحنه این شکلی در فیلم می‌دیدیم، اما در روزهای آخر این صحنه خیلی تغییر کرد. به عبارتی تصاویر اول با بازی ایران و کامبوج بود، اما در نسخه نهایی ما فوتبال‌های دیگری را هم اضافه کردیم و نریشن تغییر کرد.

درباره موسیقی فیلم، طراحی حرکات موزون و چگونگی همکاری با مجتبی شفیعی به عنوان چهره و بازیگر شناخته‌شده فضای مجازی که همیشه کارش را با رگه‌هایی از طنز و موسیقی همراه می‌کند، بگویید.

مجتبی شفیعی از لحاظ شخصیت پخته و دنیا دیده است و از لحاظ حرفه‌ای معتقدم به جایگاه درخشانی می‌رسد، چون کمدی آینده به فردی نیاز دارد که به بدنش و خوانندگی تسلط داشته‌باشد. علاوه بر این؛ مقوله موسیقی به عنوان دومین رکن تأثیرگذار در سینما برایم خیلی مهم است و نقشی تعیین‌کننده دارد. در فیلم قبلی‌ام هفت معکوس شهروز که نقش آن را جواد عزتی بازی می‌کند، خواننده است و در عروس خیابان فرشته نیز شخصیت پسر خانواده با بازی علیرضا جعفری خواننده است و بیننده می‌تواند با این شخصیت‌ها همذات‌پنداری کند. علاوه بر این، قسمتی از برقراری ارتباط مخاطبان با سینمای تجاری و عامه‌پسند از راه موسیقی اتفاق می‌افتد. بنابراین، در کارهای آینده‌ام موسیقی یک رکن جدی خواهد بود.

از اکران فیلم در این بازه زمانی راضی هستید؟

بله، خدا را شکر خوب است. درست است که همه چیز تحت تأثیر اتفاقات سال گذشته قرار گرفته اما اقبال مردم خوب بوده و فکر می‌کنم جا دارد این استقبال بهتر هم شود.

واکنش مردم بعد از دیدن فیلم که با آنها تجربه فیلم دیدن داشتید، چطور بود؟

مهم‌ترین بخش کار یک فیلمساز زمانی است که فیلم را با مردم می‌بیند. برایم اهمیت دارد نظر مردم را به شکل واقعی دریافت کنم و فقط دیدن نظرات در فضای مجازی برایم کافی نیست؛ به همین دلیل چندبار کنار مردم فیلم را دیدم تا عکس‌العمل‌ها را ببینم و در فیلم‌های بعدی‌ام از آنها استفاده کنم. به طور کلی، عکس‌العمل مردم بعد از دیدن فیلم مثبت بود، اما نظر بد و منفی هم داشتیم.

دوشنبه‌نوشته‌ها



«بازمانده» در برابر مدعیان

محمد تقی فهیم | منتقد سینما

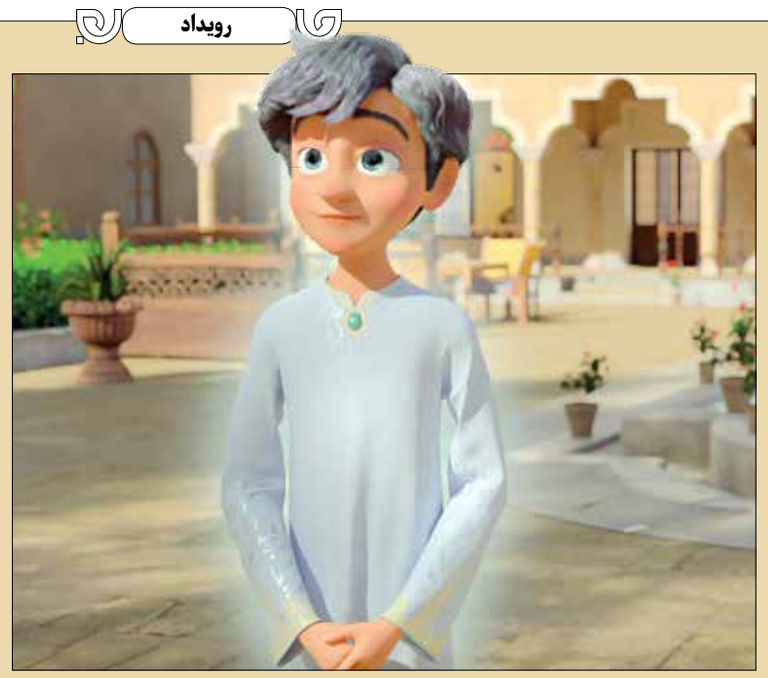
تقریبا ۱۵ سال پس از تولید و نمایش فیلم «بازمانده» ساخته مرحوم سیفا... داد، کلمه فاخر وارد ادبیات سینمای ایران شد. البته این واژه نه مانند برخی کلمات مطروحه در گرایش نقد مثلا اطلاق فیلمفارسی است، بلکه فاخر کلیدواژه مورد استفاده در فرآیند تولید فیلم شد. به عبارتی اسم رمز برآوردهای کلان مالی و بخور و پیاش‌های بدون بازگشت سرمایه و کم ثمر در کارکرد فرهنگی و بازتولید ارزش و آرمان‌ها را «فاخر» گذاشته‌اند!

نزدیک ۳۰ سال از ساخت فیلم بازمانده می‌گذرد. طی این سال‌ها، معدود فیلم‌هایی با تم مقاومت و مشخصا موضوع آزادی فلسطین و مبارزه و افشای رژیم اشغالگر ساخته شده‌است اما هیچ‌کدام و از همه نظر، در قواره بازمانده نبوده‌اند. البته نباید اهمیت چند فیلم دیگر را نادیده گرفت و حتی باید تاکید کرد ساخت‌شان بهتر از نبودشان است (کمااین‌که اگر همین‌ها نبودند، جدول پخش تلویزیون برای بازپخش‌های مکرر صفر بود) اما منظور این است که به نمونه‌ای از فیلم خوب، بدون شعار و سفارش در زمینه فاخر بودن اشاره کنیم؛ یعنی اثری که کهنه نمی‌شود و هرسال و هربار تازه و قابل دیدن است. فیلمنامه تا اجرا بر اساس قواعد سینمای قصه‌گوی حماسی به‌بار نشسته‌است. از نمادپردازی و استعاره‌های گل درشت فاصله گرفته و برعکس در بستر داستان‌سرایی و کشمکش آدم‌ها، تم مقاومت را عینیت بخشیده‌است. بازمانده (در سینمای مقاومت و آزادی) اثری خوش‌ساخت است که به «فرم» ارتقا یافته لذا در عین ایجاد حس، به دلیل وجه ملودرامش با احساسات مخاطب انبوه هم کار می‌کند، از همین رو در گستره مخاطب هدفش، سرگرم می‌کند، لذت می‌بخشد و بازتولید فرهنگ، نتیجه نهایی آن است.

فیلم بازمانده در حالی باعث فخر سینمای ایران و اعتبار هنر مقاومت شد که اساسا. اشاره‌ای به سینمای فاخر نشده‌بود. با این‌که جشنواره‌های جهانی به‌این گونه آثار التفاتی ندارند اما بازمانده بابت نقاط قوتش، حتی از مرزهای ایران فراتر رفت، به طوری‌که هم اکران عمومی شد و هم در جشنواره‌های چند کشور، از جمله ایتالیا، کره و سرزمین‌های اشغالی پذیرفته و نمایش داده شد، ضمن این‌که جوایزی هم گرفت که مثلا می‌توان کسب عنوان بهترین فیلمنامه را یادآور شد.

طی چند دهه گذشته همواره با کلمه فاخر مواجه بوده‌ایم ولی خروجی این تاکید و تاییدها موضوع درخور توجهی نبوده‌است. همچنان‌که در مطلع این مطلب اشاره شد، استفاده از کلمه فاخر معطوف به امکانات و بزرگی پروژه بوده‌است. بنیاد سینمایی فارابی را بدعت‌گذار کلمه فاخر در ادبیات تولید فیلم‌ها می‌شناسیم و مطابق واقعیت‌هایی، کلمه فاخر خط و ربط سفارش را تشکیل می‌دهد و فیلمسازان هم از این عنوان برای کسب بودجه و انواع حمایت‌ها استفاده می‌کنند، بدون این‌که از منظر تئوریک، دقیقا معلوم باشد فیلم فاخر چگونه اثری است. در ارزش‌گذاری مرسوم، فیلم‌ها به خوب، بد، متوسط و... تقسیم‌بندی می‌شود، ولی اینجا فقط کافی است یک فیلمساز بفهمد حامی مالی از سینما، فاخر بودن را می‌فهمد، دیگر سوراخ دعا را پیدا کرده‌است تا موفق به کسب تسهیلات و تجهیزات کافی بشود، بدون این‌که مشخص باشد جایگاه و اهمیت راهبردی این آثار در تبیین و ترسیم عناصر فعال در جبهه مقاومت و اعتقادات و باورهای ملی، میهنی، مذهبی و... کجاست. سردرگمی در این زمینه، یکی از مؤلفه‌های مهم عقیم ماندن در ریل‌گذاری تولید فیلم‌هایی برای مصرف‌کنندگان طرفدار مقاومت در جهان است. فیلم کوچک اما خوب، به مراتب راهگشاتر از فیلم‌های بزرگ اما بد است. برای کشوری با رتبه بالا در تولید فیلم و این همه نهاد و دستگاه مدعی فیلم فاخر، این‌که تماشاگران داخلی هرسال به مناسبت روز قدس، فیلم تکراری ببینند، یک ضعف و سستی نابخشودنی است.

رویداد



«لوپتو» در جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو

انیمشین سینمایی «لوپتو» به کارگردانی عباس عسکری و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی محصول مرکز انیمیشن سوره، در چهل و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو در بخش فیلم‌های انیمیشن به نمایش در می‌آید. این جشنواره از ۲۰ تا ۲۷ آوریل برابر با ۳۱ فروردین تا ۷ اردیبهشت ماه سال جاری در شهر مسکو برگزار خواهد شد. «لوپتو» که با تکنیک سه بعدی و برگرفته از قصه و فضایی کاملا ایرانی ساخته شده و با شعار «شادی ساختنی است» هم‌اکنون در سینماهای سراسر کشور در حال اکران است، تاکنون موفق به جذب بیش از یک میلیون مخاطب و فروشی بالغ بر ۲۲ میلیارد تومان در سینماها شده است.

اکران



روایت یک عشق کرونایی در زلزله تهران

فیلم سینمایی «قطع فوری» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مریم بحرالعلومی از روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت‌ماه در سینماهای منتخب گروه هنر و تجربه اکران می‌شود. فیلمنامه این فیلم سینمایی که محصول مستقل گروه فیلمسازی بحرفیلم است بر اساس طرحی از مریم بحرالعلومی، توسط او و لیلا نیکزاد به نگارش درآمده و قصه‌ای عاشقانه از شبی کرونایی را روایت می‌کند که زمین لرزه‌ای پنج ریشتری، تهران را می‌لرزاند. مریم بحرالعلومی پیش از این کارگردانی دو فیلم سینمایی «پاسیو» و «شهربانو» را در کارنامه دارد و قطع فوری اولین تجربه بحرالعلومی در مقام تهیه‌کنندگی فیلم بلند سینمایی محسوب می‌شود. بازیگران قطع فوری عبارتند از سامان صفاری، افسانه کمالی، غزال نظر، علی کیان ارثی، محمدرسول صفری، یاسمن ترابی، سادیا جلالی‌پور، علی یعقوبی، احمدرضا معراجی، علی اردلان، خشایار بحرالعلومی، آرمان درویش ملا، گلبرگ محمدی، رامینا حسینی و روشنک عجمیان با هنرمندی شقایق فراهانی، سوگل طهماسبی و سیاوش چراغی‌پور، با معرفی الهه منصوریان، سیداحمد حسینی، ساسان کریمی و آخرین نقش آفرینی جاودانه علی انصاریان. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت این فیلم سینمایی می‌توانند به سایت‌های بلیت‌فروشی مراجعه کنند./ایسنا

نکته



اعتصاب سراسری انجمن نویسندگان آمریکا

انجمن نویسندگان هالیوود با هدف این‌که تضمینی برای ماندگاری اشتغال تلویزیون وجود داشته باشد دست به اعتصاب زدند. استدلال انجمن نویسندگان هالیوود این است که شرکت‌ها از انتقال و گذار به فناوری و دنیای کاری اینترنت و فضای مجازی برای پرداخت دستمزدهای پایین به نویسندگان کم‌درآمد استفاده کرده‌اند. نویسندگان هالیوود اعلام کرده‌اند در بحبوحه مذاکرات بحث برانگیز قرارداد با استودیوهای بزرگ تا امروز به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. این مجوز، بر اساس رای اعضای انجمن، به رهبری انجمن نویسندگان آمریکا (WGA) این امکان را می‌دهد که در صورتی که نتواند با اتحاد تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون (AMPTP) قرارداد منعقد کند، به اعتصاب ادامه دهند. انجمن نویسندگان آمریکا (WGA) در گزارشی در سال ۲۰۲۳ استدلال می‌کند: «نویسندگان به این وضع ادامه نمی‌دهند. شرکت‌ها شرایط گذار به فناوری و تلویزیون اینترنتی را مستمسکی برای پرداخت دستمزد کمتر به نویسندگان قرار داده‌اند و شرایط مخاطره‌آمیزتر و کم‌درآمدتری برای کار نویسندگان ایجاد کرده‌اند»./فارس